

# روابط نظامی ایران و فرانسه

در دوره صفویه

نگارش :

سرهنك مهندس جهانگیر قائم مقامی

گشایش روابط رسمی ایران و فرانسه از سالهای نیمه دوم قرن یازدهم هجری (نیمه دوم قرن هفدهم میلادی) است که فرانسویان در مسیر راههای بازرگانی مشرق و هندوستان با اهمیت موقع جغرافیائی و سیاسی ایران پی بردند.

در این تاریخ فرانسویان تشکیلاتی بنام کمپانی فرانسوی هند شرقی بوجود آورده و بدنبال آن، بنسادر سورات و بندیشری را در ساحل هندوستان تصرف کرده بودند، اما آنها هنگامی « بفکر استعمار افتادند که انگلیس ها هندوستان را تصاحب نموده و راههای

دریائی را در دست داشتند»<sup>۲</sup>. بنابراین از همان آغاز کار رقابتی شدید میان آندو دولت پدید آمد و در گیرودار این رقابتها، کمپانی فرانسوی هند شرقی با دیده واقع بینانه دریافت که در این راه بدون دوستی ایسران امکان توفیق برای آنها نیست و بدین سبب **نوئی چهاردهم** پادشاه فرانسه (۱۶۴۳-۱۷۱۵ میلادی) هیأتی را در جمادی الاول ۱۰۷۵ (نوامبر ۱۶۶۴) بایران فرستاد و این عده با وجود مشکلات بسیار که تر کهای عثمانی در راه آنها فراهم می- ساختند، بالاخره در ۲۹ ذی حجه ۱۰۷۵ (۱۳ ژوئیه ۱۶۶۵) باصنمهان رسیدند.

این هیأت که مرکب از پنج تن بودند، مأموریت داشتند در باره امکان دسترسی به هندوستان از راه ایران و جلب دوستی دولت ایران بررسی و تحقیق کنند و چنانکه **دولان** Delalan در گزارشی که بفرانسه فرستاد میگوید «برای استقرار تجارت هندو ایران، چند بندر در خلیج فارس و عربستان لازم است و برای انجام این مقصود نیروی دریائی باید داشت»<sup>۳</sup>.

هیأت مزبور با وجود دو دستگی و اختلافاتی که از همان بدو ورود بایران بین اعضای آن بوجرد آمد<sup>۴</sup>، معضدا توفیق یافت قراردادی با دولت ایران منعقد سازد و در قبال آن اجازه یافتند، تجارتخانه ای در **بندر گمبرون** تأسیس نمایند ولی بسبب بروز جنگهای ۱۶۶۷-۱۶۷۲ دولت فرانسه نتوانست از قرارداد مزبور بهره برداری لازم را بنماید بخصوص که در همین ایام، توجه مخصوص فرانسه بجانب چین معطوف شده بود.<sup>۵</sup>

در این سالها، اعراب ناحیه **مسقط** که خود ضمیمه قلمرو پادشاهی ایران می بود دست بخودسری و اغتشاش زده بودند و سواحل و جزایر خلیج فارس

۱ - دکتر خانبابایی: روابط ایران با دول غربی اروپا ص ۴۲

۲ - حسام مزی: تاریخ روابط ایران با دنیا - ج ۱ ص ۱۲۳

۳ - همان کتاب و همان صفحه

۴ - از همان بدو ورود باصنمهان، میان اعضای این هیأت دو دستگی و اختلافاتی پدید آمد که شرح آن جالب و خواندنیست و برای آگاهی از آن به کتاب تاریخ ایران تألیف دانشمند محترم آقای عباس پرویز رجوع شود (فصل روابط ایران با خارجیها ص ۳۷ - ص ۴۰ - همچنین به لکهارت: انقراض سلسله صفویه ص ۸۹-۴۹۰ رجوع شود.

۵ - دکتر بیانی: روابط...



تصویر شاه سلطان حسین - کار گرنلیوس

مورد دستبرد و تجاوزات آنها شده بود و این مسأله فکرو توجیه شاه سلطان حسین را که بتازگی بر مسند پادشاهی نشسته بود (از ۱۱۰۵ هجری مطابق با ۱۶۹۳ میلادی) سخت بخود جلب می‌کرد و بدین اندیشه بود که برای رفع مزاحمت‌های اعراب مسقط و سرکوبی آنها، متحدی برای خود بیابد و باین منظور نخست به **پرتغالیها و سپس هلندیها و انگلیسی‌ها** روی کرد ولی چون از ایشان طرفی نسبت بجانب فرانسه متوجه شد.<sup>۶</sup>

مصادف با همین ایام، یعنی سال ۱۱۱۱ هجری (۱۶۹۹ میلادی) یک کشیش فرانسوی موسوم به **آبه گودرو** Abbé Gaudreau که از راه ایران به هندوستان میرفت بوسیله **اعتمادالدوله وزیر اعظم شاه**، اطلاع یافت پادشاه ایران در نظر دارد سفیر و نامه‌ای بدربار پادشاه فرانسه بفرستد و غرض از این نامه نویسی جلب دوستی پادشاه فرانسه و برقراری روابط بازرگانی متقابل بین دو دولت است اما در حقیقت پادشاه ایران میخواست که دولت فرانسه چند کشتی از نیروی دریائی خود را برای کمک و استرداد مسقط بآبهای ایران بفرستد.<sup>۷</sup>

گرچه چنین سفیری از جانب ایران در این سال بفرانسه نرفت و دولت فرانسه هم حتی یک کشتی بآبهای ایران نفرستاد مع هذا باید دانست نامه مزبور که ظاهراً بوسیله همان آبه گودرو برای لوئی چهاردهم فرستاده شد قدیمترین نشانه‌ایست که در تاریخ روابط نظامی ایران و فرانسه میتوان یافت.

**لکهارت** Laurence Lockhart در کتاب «انقراض سلسله صفویه»، در بخش روابط فرانسه با ایران مینویسد:

« این نامه مضمونی موافق شرح ذیل داشت :

« یک - پادشاه مایل است سفیری نزد سلطان فرانسه فرستاده او را به دوستی دعوت کند و از وی بخواهد که تجارت بر اساس شرایط متقابل میان دو ملت دائر گردد .

دو - اوقصد دارد به منظور تسخیر مسقط با فرانسه متحد شود.

۶- لکهارت. ص ۴۹۳

۷- موریس هربت: یک سفیر ایرانی در دربار لوئی چهاردهم ص ۸

سه - برای این مقصود سی هزار سرباز فرانسوی<sup>۸</sup> و چند کشتی جنگی فرانسه به منظور حمل آنان به صحنه عملیات لازم است.

چهار - مخارج این لشکر کشتی و غنائمی که از مسقط بدست می آید بالمناصفه میان دو مملکت تقسیم خواهد شد .

پنج - قلاع واقع در سمت خشکی مسقط در اختیار دولت ایران قرار خواهد گرفت و دو قلعه دیگر (موسوم به الجلالی و میرانی) واقع در سمت دریا بدولت فرانسه اختصاص خواهد یافت .

شش - شاه در اراضی ساحلی ایران، میان بندر عباس و کنگ بندری در اختیار شرکت فرانسوی خواهد گذاشت و خانه هائی متناسب در اصفهان و

شیراز و تبریز برای آن شرکت تهیه خواهد کرد<sup>۹</sup>.

لکهارت سپس اضافه می کند که نامه مزبور بفرانسه واصل نشد و آنچه فعلا در دست است مفاد آنست که در یادداشتی بقلم گودرو بکمک حافظه آنرا برشته تحریر کشید و مورخ ۲۵ ژانویه ۱۷۱۵ است و این یادداشت در جلد سوم اسناد مربوط بایران در بایگانی وزارت خارجه فرانسه ضبط میباشد<sup>۱۰</sup> و لسی موريس هربت Maurice Herbet که او نیز بزمان مدارك و اسناد موجود در بایگانی وزارت خارجه فرانسه دسترسی داشته است معتقد است بعلت پیش آمدن مسأله جانشینی اسپانیا (۱۷۰۰ میلادی) و جنگی که بر اثر آن روی داد<sup>۱۱</sup> موضوع برقراری رابطه بین ایران و فرانسه و اعزام چند کشتی برای استرداد مسقط بعهده تعویق افتاد<sup>۱۲</sup>.

۸ - هربت در کتاب خود می نویسد: پادشاه ایران هم خود متقبل شده بود بیست هزار سرباز

بفرستد. ص ۸

۹ - لکهارت: ص ۴۹۴

۱۰ - برگهای ۳۸۶ تا ۳۸۸

۱۱ - شارل دوم پادشاه اسپانیا (۱۶۶۶ - ۱۷۰۰) در سال ۱۷۰۰ در گذشت و چون وارث و جانشین مستقیمی نداشت با مرگ او خاندان پادشاهی شارلکن از میان میرفت و برای جانشینی سلطنت اسپانیا لویی چهاردهم و آرشیدوک شارل دوتیریش و شاهزاده باویر بیک اندازه حق میداشتند بدین جهت فرانسه بمنظور اینکه بتواند اسپانیا را ضمیمه قلمرو خود نماید بدست و پا افتاد و سرانجام بر سر این موضوع جنگها در گرفت .

۱۲ - موريس هربت : ص ۸

و بطوریکه از گفته هربت برمی آید، او بطور ضمنی میگوید نامه پادشاه ایران بفرانسه رسیده ولی بعلمت پیش آمدن جنگهای جاننشینی اسپانیا مجالی برای دولت فرانسه بیش نیامده است که بنامه پادشاه ایران پاسخ داده شود. بهر حال، چون از طرف فرانسه خبری نشد، پادشاه ایران نامه دیگری بتاریخ شوال و یاذی قعدۀ ۱۱۱۴ قمری (مارس ۱۷۰۳ میلادی) به لوئی چهاردهم نوشت و از او خواست هیأتی بایران بفرستد ۱۳

مدارك و اسناد رسمی فرانسه نشان میدهد که مصادف با همین احوال دولت فرانسه نیز بفرستادن سفیری بدربار ایران بوده است، چه در میان اسناد بایگانی وزارت خارجه فرانسه مربوط به ماه ژوئیه ۱۷۰۳ ( صفر - ربیع الاول ۱۱۱۵ هجری) صورت هدایائی که میبایستی به شاه ایران تقدیم شود موجود است و در میان این هدایا آنچه بستگی بامور و روابط نظامی داشته، دو توپ کوچک و یک تفنگ کوتاه شکاری ته پراز نوع کارابین میباشد. ۱۴

شاه سلطان حسین پس از فرستادن نامه خویش بفرستاد، خود سفیری بفرانسه بفرستد ۱۵ و ظاهر این تصمیم بدانجهت بود که در این ایام کار مزاحمتها و خودسریهای اعراب مسقط بالا گرفته بود.

برای این سفارت، نخست میرزا احمد نامی که مباحثه ولایت استرآباد (گرگان) بود انتخاب شد تا در رأس هیأتی پنج نفری بفرانسه برود ۱۶

هربت می نویسد «برائراین خبر، انگلیسها و هلندیها، دست بهزاران تحریک و دسیسه زدند تا جائی که نقشه اعزام هیأت سفارت برهم خورد». ۱۷

ولی با وجود این احوال، فرانسه در این سالها توجه خاصی بجانب آسیا

۱۳- لکهارت ص ۴۹۵

۱۴- لکهارت همان صفحه بنقل از ج ۱ برگ ۲۳۷ اسناد ایران در وزارت خارجه فرانسه.

۱۵- همان کتاب و همان صفحه و همچنین هربت ص ۸-۹

۱۶- حسام ممزی این واقعه را بعد از تاریخ آمدن میشل و قرارداد ۱۷۰۷ نوشته و اشتباه است (ص ۱۳۵)

۱۷- هربت ص ۹-۱۰ و لکهارت ص ۴۹۵

مبذول می نمود زیرا پیشرفتهای سریع هلندیها که سیادت دریائی جهان را بخود اختصاص داده بودند و از طرفی بسط قدرت انگلیسها در مدیترانه<sup>۱۸</sup> موجب میشد که فرانسویان برای دست یافتن به آبهای گرم اقیانوس هند تلاش و کوشش بیشتری نمایند. این است که می بینیم هیأتی دیگر بسرپرستی فابر Fabre و میشل Michel فرستادند ولی فابر در راه درگذشت و میشل در محرم ۱۱۲۰ هجری (آوریل ۱۷۰۸) باصفهان رسید.

مقارن این احوال لوئی چهاردهم هم سیادت و تفوقی در مقابل قدرت انگلیسها و هلندیها بدست آورده بود<sup>۱۹</sup> و همین امر موجب شد، شاه سلطان حسین که از بابت تجاوزات اعراب مسقط بستوه آمده بود ۲۰ بار دیگر بجانب فرانسه توجه نماید و بخیال اینکه از ایشان برای کوتاه ساختن دست اعراب کمک بگیرد به سفیر فرانسه روی خوش نشان داد و مذاکرات دوستانه ای برای انعقاد عهد نامه ای مبنی بر روابط مودت و بازرگانی میان اولیای ایران و نماینده فرانسه آغاز شد.

میشل که مردی زیرک و موقع شناس بود برای اینکه بتواند مصالح دولت متبوع خود را تأمین نماید مدبرانه بمذاکره در مورد پیشنهادات نظامی ایران راضی شد و وعده داد موضوع را بتصویب دولت فرانسه برساند و براساس این مذاکرات و تمهد، شاه قلی خان اعتماد الدوله نامه ای برای لوئی چهاردهم نوشت که مطالب آن خلاصه مفاد عهدنامه ای بود که دودولت ایران و فرانسه میبایستی با یکدیگر می بستند. این نامه بالنسبه مفصلست و اهمیتی خاص در تاریخ تمدن ایران و بخصوص

۱۸- انگلیسها در ۱۷۰۴ جبل الطارق را تصاحب کردند و چند جزیره از مجمع الجزایر بالئار دانیز در ۱۷۰۸ بتصرف آوردند و بدین ترتیب بر تمام دریای مدیترانه تسلط یافتند و بسطه فرانسویان در این منطقه پایان دادند.

۱۹- دکتر بیانی: ص ۱۹۴

۲۰- راجع به تجاوزات اعراب مسقط و مسأله آن، به کتاب مطالعاتی در باب بحرین و جزایر خلیج فارس تألیف استاد فقید عباس اقبال. رجوع شود - از ص ۹۶ تا ص ۹۸.

فصل مربوط به، رسوخ و تأثیر تمدن اروپائی در ایران، دارد و چون ضمن موضوعهائی که در آن ذکر شده، مطالبی هم در مورد نظام و ارتش ایران موجود است عین متن آنرا در اینجا نقل می‌کنیم و آن سند قدیمترین سند است که بالفعل در مورد روابط نظامی ایران و فرانسه در دست می‌باشد. ۲۱

«شاهنشاهی نال الهی»

«تفصیل مهماتی که بنا بر آنچه پادشاه و الا جاه خورشید»  
 «کلاه و لایات فرانسه در نامه مودت طراز که مصحوب ایلچی ممتد»  
 «معتبر خود میکا، ایل بیخه مت نواب کامیاب سپهر رکاب، مالک رقاب،»  
 «کرویی جناب، مقدس القاب، اشرف اقدس ارفع»  
 «اجل امجد امنح همایون که جانها فدای نام و جهان بکامش باد»  
 «فرستاده بودند تمهد نموده بودند که در ازاء انجام مطالب»  
 «که بتقریر ایلچی مزبور منوط بود هر نحو که، ز طرف قرین الشرف»  
 «همایون اعلام شود بتقدیم رسانند و بعد از قبول متمنیات آن»  
 «پادشاه و الا جاه و وقوع قراردادها با ایلچی مزبور بموجب»  
 «عهدنامه ای [ای] که ایلچی مشارالیه بنظر آن پادشاه خورشید کلاه»  
 «خواهد رسانید چون ایلچی مزبور نیز عرض و استدعا نمود که آنچه»  
 «مکنون خاطر همایون باشد قلمی و مصحوب او فرستاده شود که»  
 «آن پادشاه عالیشان مقرر دارند که و کلاه سرکار ایشان بنجوی»  
 «که موافق خاطر خواهد اشرف باشد بتقدیم رسانند لهذا فرموده های»  
 «بندگان ثریا مکان اشرف اقدس، بتفصیل ذیل نوشته شد که»  
 «چون ممکن است که سایر طوایف فرنگستان که مخالفت»  
 «با آن پادشاه و الا جاه داشته باشند از روی عناد در روی دریا»  
 «و بنادر ممالک محروسه همایون متمرکز و سوداگران و عجزه»  
 «و ضعفای سکنه آن، حال شده نقصان و خسران بایشان رسانند»  
 «و بعضی از امور ناملازم از آن جماعت بمنصه ظهور برسد که بنا»  
 «بر عدم تهیه اسباب جنگ و جدال و وی دریا مستحفظان بنادر»  
 «در مقام جزا و سزای ایشان در نیابند، آن پادشاه و الا جاه»  
 «خورشید کلاه مقرر دارند که سپاه مستعدی که جهت اینگونه»  
 «امور تعیین می نمایند در صدور چنین حرکات از جماعت مزبوره»  
 «هر گاه خود مطلع گردند یا از این طرف اعلام شود بدفع و رفع»  
 «از آن پرداخته در مقام انتقام در آیند و اموال منهبه تجار و»

۲۱ - متن فارسی آن در برگ ۹ و ترجمه فرانسه آن در برگهای ۸ و ۷ جلد ۱۷

استاد ایران در وزارت خارجه فرانسه میباشد.



مستحق که نیکو کار پادشاه و اجداد خویش را که در راه او است و در راه او است که در راه او است  
 و نیکو کار پادشاه و اجداد خویش را که در راه او است و نیکو کار پادشاه و اجداد خویش را که در راه او است  
 نام و جان بکشید و رستخیزان بودند و رستخیزان بودند که در راه او است و نیکو کار پادشاه و اجداد خویش را که در راه او است  
 قریب است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود  
 عهد است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود  
 ملامت است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود  
 ملامت است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود و قریب است که این ملامت شود

چون می بیند که سینه ایست که در آن حالت این پادشاه و اجداد خویش را که در راه او است  
 و در راه او است که در راه او است و در راه او است که در راه او است  
 و در راه او است که در راه او است و در راه او است که در راه او است

قسمت اول نامه شاه قلی خان به لونی چهاردهم

(اصل نامه در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه - کلیشه از نگارنده)

«رعایای مذکورہ این طرف را هر گاه توانند استرداد نمایند.»  
 «چون مدتیست که در سمت بنادار ایران منسوبان والی»  
 «عمان دست بدزدی و راهزنی بر آورده متعرض آجارا اکثر طوایف»  
 «خواه مسلمان و خواه نصاری که تردد بایران مینمایند و ظاهر»  
 «چنان است که بعد از آنکه تردد تجار از ولایات آن پادشاه»  
 «والاجاه بسمت ایران مستمر شود و ضرر جماعت مزبورہ بتجار»  
 «آن طرف نیز واقع گردد، آن پادشاه والاجاه قبل از آنکه»  
 «تجار از آن سمت شروع به آمد و شد نمایند، مقرر دارند که»  
 «سپاه وافر با کشتیهای جنگی که مملو از اسباب قتال و جدال باشد»  
 «باین سمت آمد، بتسغیر مسقط و سایر مجال والی مزبور که در»  
 «ار تکاب اینگونه امور ناهنجار مستظهر باستحکام آن مواضع اند»  
 «پرداخته، جماعت مزبورہ را دفع و رفع نمایند و بعد از آنکه»  
 «بتصرف در آید کل آن ولایت و قلاع آنجا را تسلیم بندگان»  
 «این آستان عظمت شان نمایند و در آن وقت غنایمی که از آن»  
 «سرزمین بتصرف ایشان در آید، آنچه متعلق بامور قلمه داری»  
 «و محافظت ولایت مزبور از کشتی و توپ و تفنگ و اسباب قتال»  
 «و جدال و امثال آن باشد بمنسوبان این دولت عظمی باز گذاشته»  
 «نمود و امتیاز اجناسی که دخل بامور قلمه داری و محافظت شهر»  
 «و ولایت نداشته باشد متعلق بمنسوبان آن پادشاه والاجاه»  
 «باشد که این معنی هم باعث رفیع ضرر آن جماعت از قاطب»  
 «مترددین و تجار و هم باعث از دیاد تردد تجار خیر مدار از ولایت»  
 «فرانسه باین دیار خواهد شد»  
 «چون استادان و اهل صنعتی که از ولایت آن پادشاه»  
 «والاجاه میباشند مشهور و معروف اند و توفیق ایشان بر اهل صنعت»  
 «ایران که در اکثر عنون مهارت تمام دارند معلوم رأی انور»  
 «ماست، آن پادشاه والاجاه مقرر دارند که از استادان توپ ساز»  
 «و قنپاره ساز و تفنگ ساز و سایر اسباب جنگ و جدال و صاحبان»  
 «صنایع دیگر از قبیل لندره باف و ساعت ساز و سنگتراش و جماعتی»  
 «که صنایع غریبه از ایشان متمشی شود، چند نفر بدر گاه معلی»  
 «فرستند که درین ولایت بامور مزبورہ قیام نمایند و چون در»  
 «حوالی تختگاه پادشاهی رودی موسوم بآب کورنگ هست که»  
 «درین وقت خاطر مبارک به آوردن آن بدار السلطنه همایون»  
 «متعلق گردید و کوهی مانع و بریدن آن و آوردن آب مزبور»  
 «دشوار است، اگر در آن مملکت استادان بهمرسند که تهبیرات»

و چون در این حالت سلطان محمد باقر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر

همینست که در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر

و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر

و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر  
و چون در آن روز جمعه در آن شهر در آن روز جمعه در آن شهر

قسمت دوم نامه شاه قلی خان به کوئی چهاردهم  
(اصل نامه در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه - کلیشه از نگارنده)

«چند توانند نمود که این امر به آسانی صورت پذیرد ، آن»  
 «پادشاه والاچاه مقرر دارند که چند نفرایشان را نیز جهت این»  
 «کار بدر بار عظمت و اقتدار ارسال نمایند .»  
 (برگ ۹ جلد ۱۷ اسناد ایران در بایگانی وزارت امور  
 خارجه فرانسه)

از فحوای این نامه چنین استنباط میشود که دولت ایران در این هنگام  
 ب فکر تقویت و تجدید سازمان نظامی خود بوده و در نظر داشته است بوسیله  
 متخصصین و کارشناسان فرانسوی ، کارخانه های توپ سازی ، تفنگ سازی  
 و خمپاره سازی در ایران تأسیس نمایند و با این اقدام روابط نظامی بین ایران  
 و فرانسه برقرار گردد و بعلاوه ، دولت فرانسه با فرستادن چند کشتی جنگی  
 و تعدادی سرباز بخلیج فارس و همکاری نزدیک با توای ایران برای جنگ با  
 اعراب مسقط ، این رابطه را محکم تر کنند .

بدنبال این وقایع فرانسویان دیگری که در ارمنستان و استانبول بودند ،  
 ب هرتقدیر بود بر آتش تمایلات پادشاه ایران دامن میزدند ۲۲ اما هوانع بسیاری  
 بر سر راه اجرای این نقشه بود از جمله بعد مسافت بین ایران و فرانسه ،  
 خالی بودن خزانه ایران ، عدم تمایل و رضایت باب عالی با برقراری  
 ارتباط میان ایران و دنیای غرب و بالاخره مخالفت های انگلیسها و هلندیها ۲۳  
 و سرانجام ، بسبب مخاطرات و تهدیداتی که بر اثر این اوضاع متصور و محتمل  
 بود ، شاه سلطان حسین بتوصیه فرانسویان چنین صلاح دید نامه های خود  
 را که به پادشاه فرانسه می نوشت مخفیانه توسط مسافران فرانسوی که بفرانسه  
 بازمی گشتند نزد بیگلربیگی ایروان بفرستد و او با تحف و هدایای مناسب  
 بحر نحو که صلاح بداند ، بدر بار لوئی چهاردهم ارسال دارد ۲۴ تا جلب نظر  
 و ایجاد سوء ظن مخالفان را ننماید .

۲۲ - هرتبت ص ۱۱

۲۳ - همان کتاب ص ۱۲

۲۴ - از جمله نامه ایست از طرف پادشاه ایران که بیگلربیگی ایران آنرا بوسیله  
 کشیشی فرانسوی موسوم به آبودیشار Abé Richard بفرانسه فرستاد . (ج ۳ اسناد ایران  
 در وزارت خارجه فرانسه برگ ۱۷۲) .

در این گیرودار، مسقط که از حدود قرن شانزدهم میلادی، بمناسبت موقع خاص جغرافیائیش در مدخل خلیج فارس، مطمحن نظر های سیاسی و اقتصادی و نظامی دول دریانورد اروپائی مثل انگلستان، هلند، اسپانیا و پرتغال قرار داشت، اهمیت بیشتری کسب کرده بود زیرا انگلیسها در خلال این مدت توانسته بودند مبانی سیاست استعماری شرقی خود را تحکیم نموده و راههای امپراطوری را بوجود آورند و نیز نقاط سوق الجیشی و بابهای محکم دریائی را یکی پس از دیگری زیر نظر خود قرار دهند و مسقط نیز بساین جهات در این سالها مورد توجه خاص آنها واقع شد و کلیه اغتشاشات و انقلاباتی که از این زمان بعد در منطقه مسقط روی داده است بهمین خاطر و بر اساس همین سیاست بوده است<sup>۲۵</sup> و بهر تقدیر، حاصل این وضع، مزاحمت و گرفتاریهایی بود که برای دولت ایران فراهم می گردید و بالاخره این وضع موجب شد که پادشاه ایران برای رفع مزاحمت های اعراب مسقط جداً ب فکر چاره بیفتد.

فکر اعزام یک سفیر بدربار لوئی چهاردهم از اینجاست قویت یافت و چون هنوز همان مشکلات سابق در راه این مقصود باقی بود و فرستادن سفیری بطور آشکارا از مرکز کشور، امکان نمیداشت لذا به بیگلربیگی ایروان دستور داده شد بطوریکه معلوم نشود شخصی را بسفارت فرانسه گسیل دارد.

بیگلربیگی ایروان در اجرای فرمان پادشاه، یکی از معاریف دستگاہ خود موسوم به میرزا صادق رئیس دیوانخانه را که فرمانده سوار نظام و دومین شخصیت ایروان بوده برای اینکار نامزد کرد، اما باز مخالفان او را هم از مخاطرات این ماموریت بیمناک ساختند و چنانکه هربت میگوید: باده هزار اکو که باو دادند او را از این راه منصرف نمودند.<sup>۲۶</sup>

۲۵ - ر. ک. به آرنولد ویلسون، خلیج فارس از س ۱۹۸ به بعد ترجمه فارسی - و نیز بطوریکه چند سال بعد گاردان فونسول فرانسه در دربار شاه سلطان حسین در گزارشی بدولت متبوع خود نوشت «... اعراب مسقط امنیت و آرامش را در خلیج فارس برهم زده اند. انگلیسیها و هلندیها هم آنها را تشویق میکنند...» کتاب ایران در دوره صفویه تألیف یافت دکتر تاج بخش س ۲۳۹

۲۶ - هربت س ۱۴

شاه سلطان حسین ناگزیر ب فکر پیدا کردن شخص دیگری افتاد و ابن بار قرعه بنام محمد رضا بیگ زده شد که کلانتر شهر ایروان و سومین شخص محلی بود.

از مدارك و اسناد موجود در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه بخوبی برمی آید که مخالفان دوستی و اتحاد ایران و فرانسه تا چه اندازه برای عقیم نمودن اقدامات دولتین کوشا بوده اند و از آن جمله نامه ایست که حکمران ایروان محمد قلی خان بهنگام عزیمت محمد رضا بیگ بصدر اعظم فرانسه نوشته و در آن بتحریرکات عثمانیها اشاره نموده است و قسمتی از آن چنین است :

« ... بعد از آن نیز مکرر نامه و ایلچی از جانب پادشاه و الاجاه بدر بار عظمت مدارشاهی آمده باز بهمان دستور جواب نامه قلمی و ارسال شده. در این مدت بهیچوجه اثری از آمدن قونسل و تجار و آوردن امتعه و اقمشه و طلا و نقره باینطرف ظاهر نگردیده لهذا در این اوقات که موسی گتسان نام جهت همان مطلب نامه مجدد بخدمت اقدس شاهنشاه آورده بود اراده خاطر دریا مظاهر ملکوتی خاطر اشرف ارفع همایون اعلی بدان متعلق گردیده بود که نامه محبت ختامه [ای] بیادشاه و الاجاه معظم الیه قلمی و از جهت و سبب تکرار نامه و ایلچی و ظاهر نشدن اثری بر آمدن قونسل و تجار و آوردن امتعه و غیره و استفسار دوستانه فرمایند و چون تعیین روانه فرمودن ایلچی از درگاه جهان پناهشاهی باعث شهرت و مسموع اهالی رومیه شد محتمل بود که در ولایت روم بنا بر جهات چند مانع ایلچی مزبور شوند، بدانجهت موقف سلطنت و جهاننداری نامه و سوقات بیادشاه و الاجاه خورشید کلاه را نزد این بنده درگاهشاهی که بحمداله تعالی در این اوان بایالت و



محمد رضا بیگ

سفیر شاه سلطان حسین در دربار لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه  
(اصل تابلو در موزه کارناواله)

مملکت داری چخور و سعد ایروان ممتاز است، ارسال  
و مقرر فرموده بودند که بشحویکه شهرت ننماید احدی  
از معتبرین این ولایت را بایلچیگیری تعیین و نامه و  
سوقات پادشاه و الاجاه عظمت دستگاره بصحابت او  
ارسال حضور عظیم الحبور پادشاه خورشید کلاه  
نماید... ۲۷»

بدین ترتیب محمد رضا بیگ بانحف و هدایا و متابعان بسیار، در روز  
۲۸ صفر ۱۱۲۶ قمری (۱۵ مارس ۱۷۱۴) از ایروان عازم فرانسه شد<sup>۲۸</sup> و سرانجام  
در ۱۴ صفر ۱۱۲۷ (۱۹ فوریه ۱۷۱۵) نامه پادشاه ایران را با هدایائی که همراه  
داشت در قصرورسای به حضور لوئی چهاردهم تقدیم کرد<sup>۲۹</sup>

محمد رضا بیگ مأموریت داشت دربار فرانسه را به مفاد عهدنامه‌های  
گذشته و تعهداتشان در مورد استرداد مسقط و کمکهای نظامی برای سرکوبی  
اعراب متجاوز متوجه و وادار سازد و چنانکه در آخرین جلسه مذاکرات که  
عهدنامه مورد بحث دولتمین در شرف اختتام بود، چون از محمد رضا بیگ  
پرسیدند در برابر آنچه بدولت فرانسه داده است آیا چیزی هم میخواهد و آیا  
مطلب دیگری دارد که باید گفته شود، او گفت: «بر حسب مواعید میشل،  
فرستاده دولت فرانسه، قرار بود دولت فرانسه پیند کشتی برای سرکوبی  
اعراب مسقط بفرستد و دولت ایران مایل است پاسخ این تعهدات و مواعید  
را دریافت دارد و طالب است که دولت فرانسه با استعداد بیشتر و در زمان  
کمتری بوعده نمایند خود وفا و عمل نماید»<sup>۳۰</sup>

این موضوع در مناسبترین فرصت و موقع ادا شد و فرانسویان از ذکاوت  
و موقع شناسی و استعداد ایرانی سخت در شگفتی شدند.<sup>۳۱</sup>

۲۷- وزارت امور خارجه فرانسه: اسناد ایران ج ۱۷ برگ ۱۳

۲۸- هربت ص ۱۵ و پرویز ص ۴۵

۲۹- دکتر بیانی ص ۱۹۹

۳۰- حاتم معزی ص ۱۳۹ و هربت ص ۲۷۱

۳۱- هربت همان صفحه





محمد رضاینگ سفیر ایران با هیات سفارت در حال ورود به کاخ ورسای  
(از کتاب هربت)

محمد رضا بیک سپس اضافه کرد :

«دولت ایران متعهد میشود که تعهدات زیر را انجام دهد :

- ۱- ایران سی هزار سر باز از راه زمین در صورت لزوم بیش از این خواهد فرستاد
- ۲- احتیاجات قشون فرانسه را از حیث غذا و سایر لوازم فراهم خواهد کرد .
- ۳- پول برای تهیه لوازم جنگ به فرانسه خواهد داد .
- ۴- تمام غنایم جنگی و مهمات را که در شهر مسقط بدست میآورند با فرانسوویها تقسیم خواهند کرد .

۵- حکومت این شهر بدست ایران و فرانسه خواهد بود بطوری که دو قلعه ای که در طرف دریاست در اختیار فرانسوویها و دو قلعه دیگر در اختیار ایران قرار خواهد گرفت <sup>۳۲</sup>

اما طرح این مسأله در آن لحظات که استراتژی ملی فرانسه عبارت از بدست آوردن راههای بازرگانی مشرق و دست یابی به هندوستان می بود ، برای دربار فرانسه هر گز تصور نمی رفت و هربت در این مورد مینویسد «چون در آن هنگام هنوز عهدنامه مورد بحث با امضاء نرسیده بود باغفال و جلب اعتماد سفیر ایران برداختند تا در همان احوال خاطر ه و توجه او را از بابت مسقط منصرف سازند» <sup>۳۳</sup> و بعد هربت اضافه می کند ، اولیای فرانسه برای اغفال سفیر ایران در طی بیانات مفصل چنین وانمود کردند که پادشاه ایران از انعقاد این عهد نامه بهره مندیهای بسیار بدست خواهد آورد و از آن جمله پادشاه ایران این حق را خواهد داشت که متخصصین ذوب آهن و توپ ریزی که در کشور خود ندارد از پادشاه فرانسه بخواهد بکشور او بفرستد و همچنین اعلیحضرت پادشاه میتواند چند کشتی از دولت فرانسه بخرد و تجارت خلیج فارس که سالهاست بر اثر نیرنگها و دسایس بیگانگان با شکست و خرابی مواجه شده از نو رونق خواهد گرفت . جزیره بحرین و بندر کنگان که در آنجا صید مروارید می کنند با حمایت و پشتیبانیهای دولت فرانسه از تجاوزات و دستبرد های اعراب مسقط

۳۲- دکتر تاج بخش : ایران در زمان صفویه س ۲۳۲ نقل از برگ ۱۲۳ ج ۵ اسناد ایران در وزارت خارجه فرانسه .

۳۳ - هربت ص ۲۷۱

درامان خواهد ماند. « ۳۴

اما هیچیک از این نکات و مواعید در متن عهد نامه ای که بالاخره در ۱۲ شعبان ۱۱۲۷ هجری (۱۳ اوت ۱۷۱۵) شامل یازده ماده بامضا رسید، وارد نگردید و عهدنامه مزبور صرفاً بصورت یک عهد نامه تجارتهی تنظیم شد که بهمه جهت منافع بازرگانی و حقوقی فرانسویان را در خلیج فارس و ایران تأمین می کرد و حتی چند فصل از فصول عهد نامه سال ۱۷۰۸ را نیز که با منافع فرانسه موافق نمی بود باطل کردند. ۳۵

بدین ترتیب محمد رضابیک با عهد نامه ای که نیات ایران را بر آورده نمی کرد بسوی ایران بازگشت (۲۹ شعبان ۱۱۲۷ مطابق با ۳۰ اوت ۱۷۱۵) و دولت فرانسه نیز شخصی را مرسوم به گاردان Gardanne بسا سمت کنسولی در معیت او بایران فرستاد تا عهد نامه مزبور را بامضای شاه سلطان حسین برساند.

بنابراین در عهدنامه و رسای نه تنها از مطالب و روابط نظامی ذکری بمیان نیامد بلکه لوئی چهاردهم در نامه مورخه ۱۲ اوت ۱۷۱۵ خود ( ۴ رمضان ۱۱۲۸ هجری) نیز که بمناسبت انعقاد عهدنامه مزبور به پادشاه ایران نوشت بالصراحه گفت:

«سفیر شما پیش نهاد دیگری کرده است. لازم است برای اجرای آن اطلاعات کافی و وسائل لازم را در دست داشت، خرم و احتیاط اجازه نمیدهد که انسان در باره مسائلی تعهد نماید که نتواند از عهده انجام آن بر آید. ما میخواهیم قبل از هر چیز اطلاعاتی در خصوص اقداماتی که برای توفیق در امری که در نظر اعلیحضرت است داشته باشیم.

ما به نمایندگی خود مأوریت میدهیم که گزارشی صریح و قطعی در باره مطالب و مسائلی که میخواهیم بفرستد و ما را در این امر کاملاً روشن نماید. « ۳۶

- 
- ۳۴- هربت ص ۲۷۲ نقل از برگ ۱۴۶ جلد چهارم اسناد وزارت خارجه فرانسه  
 ۳۵- متن قرارداد و توضیحات آن درج ۴ اسناد وزارت خارجه فرانسه بر گهای ۲۳۵ تا ۲۴۳ و کتاب حسام معزی ج ۱ و کتاب هربت از ص ۲۷۲ و ۲۷۹ موجود است.  
 ۳۶- دکتر تاج بغش ص ۲۳۱ و اصل آن درج ۴ برگ ۲۸۸ اسناد وزارت خارجه فرانسه

آنژ گاردان چون بایران آمد و از نزدیک با وضاع و احوال خلیج فارس و مسقط آشنا شد مصلحت دولت فرانسه را در این دید که جانب سلطان مسقط را از دست ندهد.<sup>۳۷</sup> و بر اثر این احوال شاه سلطان حسین نیز عهدنامه و رسای را امضا نکرد و روابط ایران و فرانسه ظاهر آتیره شد اما فرامین متعددی مورخ به ۱۱۳۴ (۱۷۲۲) که پادشاه ایران در باب فرانسویان و فراهم آوردن تسهیلات کار ایشان برای افتتاح دارالتجاره هابه حکام ولایات فارس و کرمان صادر نموده واصل آنها در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه درباریس ضبط است،<sup>۳۸</sup> میرساند باز روابط دولتمن سر و صورتی داده شده است و این هنگام مصادف با آمدن شوالیه پادری است که بجای گاردان بایران آمده بود. ولی بهر حال، چون در سال بعد (۱۱۳۵) **حمله افغانها** بایران روی داد و خاندان پادشاهی صفوی منقرض شد، لامحاله روابط ایران و فرانسه (اعم از روابط نظامی و بازرگانی) بهر کیفیتی که می بود قطع گردید و از چگونگی روابط پس از این تاریخ هم تا سال ۱۲۲۲ قمری علی العجاله آگاهی چندانی نداریم تا مگر باز نگارنده را بار دیگر به بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه دسترسی حاصل شود.

در پایان این مبحث، نکته ای را نیز باید یاد آور شد و آن اینکه، بنا بنوشته لیکهارت، در سالهای اخیر سلطنت شاه سلطان حسین یک نفر فرانسوی بنام **فیلیپ کولومب** در خدمت ارتش ایران بوده و ظاهراً فرماندهی توپخانه ارتش ایران را داشته است و سرانجام در جنگ گلنا باد با افغانها کشته شد.<sup>۳۹</sup>

بنا بر این، برقراری نخستین دوره روابط نظامی ایران و فرانسه که بمقتضای سیاست داخلی ایران و از جانب پادشاه ایران پیشنهاد گردید بعلت وجود هدفهای اقتصادی و استعماری فرانسویان و همچنین بمناسبت رقابت آنها با انگلیسها و هلندیها و همچنین بر اثر مزاحمتهایی که عثمانیها در این راه فراهم میساختند بوسیله دولت فرانسه حسن استقبال نشد و باز بسبب همان رقابتهاست که فرانسویان صلاح خود را در کناره گیری تشخیص داده، مواعید و تعهدات خود را نادیده انگاشتند.

۳۷- بهد کتر تاج بخش: ص ۲۳۷ رجوع شود

۳۸- اسناد وزارت خارجه فرانسه جلد ۱۷ برکهای ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ و ۲۹ الف و ب.